

ق

فصلنامه تحلیلی روایی مکتب حاج قاسم

— Q — A — S — E — M —

سال اول | شماره اول | زمستان ۱۴۰۰ | ۳۰۸ صفحه | قیمت ۱۱۵ هزار تومان



بزرگ‌ترین بدرقه تاریخ

تشییع به مثابه رفرازندوم

- همراه با یادداشت‌های گفتارهای از:
- ابراهیم فیاض
 - ابراهیم متقد
 - احمدالحسن
 - احمدبیوسف‌زاده
 - امیرحسامی نژاد
 - آزاده فرزام‌نیا
 - پرویز‌امینی
 - جواد‌مصطفوی
 - حامد حاجی‌حیدری
 - حامد شیخ‌پور
 - حامد عسکری
 - حسام آنبوس
 - حسن النحوی
 - حسن انتظامی
 - حسین شاه‌مرادی
 - حسین کجویان
 - حسین محمدی سیرت
 - حمید پارسانیا
 - سردار باقر‌زاده
 - سعید فرجی
 - سعید لیلاز
 - سید مجید‌امامی
 - سید حسن نصرالله
 - سید زین‌العابدین حیدری
 - سید علی موسوی
 - سید عمامه موسوی
 - سید مجتبی حیدری
 - سید محمد رضا امیرطالب
 - سید محمد دلی ابطحی
 - سید محمد هادی شفیعی
 - سید مصلحی موسوی
 - سید هاشم صف الدین
 - شهاب اسفندیاری
 - عطیه کشتکاران
 - علی حدادی‌اصل
 - علی حمزه‌ای
 - علی فاهم
 - علیرضا سیبی
 - علیرضا شجاعی زند
 - علیرضا افزووه
 - علی عسکری
 - عmad افروغ
 - غلامرضا جمشیدیها
 - فاطمه‌سادات بکانی
 - فاطمه‌سادات موسوی
 - فواد عبدالعلی بور
 - گل‌علی بابایی
 - مازن عباس الجبوری
 - محسن پرویز
 - محسن هاشمی رفسنجانی
 - محمد عطریانفر
 - محمدرضا‌احمدی
 - محمدرضا سنگری
 - مختار حداد
 - مسعود اسدالله‌ی
 - مصباح‌الهی باقری
 - موسی‌نجفی
 - مینم امیری بشلی
 - الی‌شاریفی مقدم
 - وجیهه سامانی
 - وحدت‌جلیلی



التیام زخم صبح جمعه

بخشن اول اندیشه

- | | |
|----|--|
| ٤ | شہید سلیمانی و مواجهه راهبردی امت اسلامی |
| ٦ | قبرمان از قلب مردم بر می‌خیزد |
| ٨ | جامعه شناسی کوتاهی کرد |
| ١٨ | قبرمان نمرده و نمی‌میرد |
| ٢٥ | تشییع و باز تولید هویت ملی |
| ٣٢ | اثری خشی فاکتبی یک شخصیت تاریخ‌ساز |
| ٤١ | تشییع، هدیه خداوندی شہید سلیمانی بود |
| ٤٤ | شعراهایی که تحلیل نشد |
| ٤٩ | معماًی تشییع و سه نکته اساسی |
| ٥٦ | |
| ٥٩ | |

۱۹۲	— قدمگاه پنجم مشهد، امام رضا ... بجهام	۶۳	■ این جمهوریت از کجا آمد؟
۱۹۴	■ بزرگ تراز انقام مختار...	۶۹	■ غرب مجبور به تغییر رویه شد
۱۹۸	— قدمگاه ششم نمازدر تهران	۷۳	■ قهرمان بودن مسیر است
۲۰۰	■ خواب آشفته نیمه شب جمعه	۷۶	■ چرا با حاج قاسم دشمنی می کنند؟
۲۰۱	■ شهادت حاج قاسم غدیر انقلاب بود	۸۵	■ کل ملت را هدف قرار دادند
۲۰۴	■ صبح جمعه ای غم بار عجب روزی بود، خدا!	۹۱	■ وقتی رسانه ها به زانو درآمدند...
۲۰۶	■ برای او آمدیم...	۱۰۵	■ باز تولید مقاومت در لحظه
۲۰۹	■ چشمم از مردم پرشد...	۱۱۴	■ نکامل ناسیونالیسم ایرانی؛ تشییع اسلامی، ایرانی و انقلابی
۲۱۲	— قدمگاه هفتم قم، شهر قیام	۱۲۱	■ حاج قاسم به مثابه رسانه
۲۱۵	■ وانت انقلاب	۱۲۸	بخش دوم میزگرد
۲۲۰	■ کلاه لبه دار اسپرت	۱۳۰	■ میزگردی با موضوع چیستی و چرایی وقوع
۲۲۴	■ آن واقعه عظیم	■ بزرگ ترین «بدرقه تاریخ» در تشییع شهید سلیمانی	
۲۲۸	— منزلگاه کرمان	■ با حضور وحید جلیلی و محمد عطربیانفر	
۲۳۰	■ کرمان؛ میدان آزادی کوچه بن بست	۱۴۴	بخش سوم خط مقدم
۲۳۲	■ شهیدان معزکه	۱۴۶	■ این نورانیت نشان دهنده نزدیک بودن شهادت شماست
۲۳۶	■ شاید پیش از اذان صبح	۱۵۰	■ همه آمده بودند
۲۳۷			
۲۳۸	 Haj Qasim Ma	۱۵۴	بخش چهارم روایت تشییع
۲۴۰	■ مکتب حاج قاسم یعنی روش، مسلک و سیر حاج قاسم	۱۵۴	■ اطلاع نگاشت از قاف تاعرش
۲۵۳	■ نشان نقشی پا	۱۵۶	— قدمگاه اول عراق- بغداد
۲۵۷	■ در ابعاد هیجج جناحی نمی گنجید	۱۵۸	■ «مشکور حجج قاسم ماقصرت ویانه»
۲۶۲	■ قصه برای نرگس	۱۶۵	■ گفتگو هاراشماب گوید
۲۶۴	■ سلیمانی ایرانی ترین سردار ایران	۱۶۸	■ ارتش عمومی شیعه به برکت حاج قاسم
۲۶۶	■ فرماندهی بدیل	۱۷۰	— قدمگاه دوم کربلای معلا
۲۷۱	■ برای او که رفت تا سرها بر بدن بماند	۱۷۲	■ تشییع قلبها
۲۷۴	■ او باید عباس گونه می رفت	۱۷۴	■ در سرزمینم احساس غربت کردم
۲۷۷	■ شب تاریک و بیم موج	۱۷۶	— قدمگاه سوم نجف اشرف
۲۸۰	■ انتقام سخت و سستی در فدکس اسم ها	۱۷۸	■ جز زیبایی ندیدم
۲۸۵	■ خون سلیمانی	۱۸۰	■ تحقق یک رویا
۲۸۸	■ برای تویی که دوست داشتیم	۱۸۲	— قدمگاه چهارم اهواز
۲۹۲	■ بحران پدر	۱۸۴	■ بیرق بلند می کنیم به خون خواهی
۲۹۶	■ زیرا مضایش نوشته: سلیمانی	۱۸۶	■ حاج قاسم ما
۲۹۷	■ کتابشناسی واقعه بی نظیر تشییع شهید سلیمانی	۱۹.	■ خون بها
۳۰۱	 سرو روان		

- این جمهوریت از کجا آمد؟
- غرب مجبور به تغییر رویه شد
- قهرمان بودن مسیر است
- چرا با حاج قاسم دشمنی می کنند؟
- کل ملت را هدف قرار دادند
- وقتی رسانه ها به زانو درآمدند...
- باز تولید مقاومت در لحظه
- نکامل ناسیونالیسم ایرانی؛ تشییع اسلامی، ایرانی و انقلابی
- حاج قاسم به مثابه رسانه

۱۲۸

بخش دوم میزگرد

- میزگردی با موضوع چیستی و چرایی وقوع
- بزرگ ترین «بدرقه تاریخ» در تشییع شهید سلیمانی
- با حضور وحید جلیلی و محمد عطربیانفر

۱۴۴

بخش سوم خط مقدم

- این نورانیت نشان دهنده نزدیک بودن شهادت شماست
- همه آمده بودند

۱۵۴

بخش چهارم روایت تشییع

- اطلاع نگاشت از قاف تاعرش
- قدمگاه اول | عراق- بغداد
- «مشکور حجج قاسم ماقصرت ویانه»
- گفتگو هاراشماب گوید
- ارتش عمومی شیعه به برکت حاج قاسم
- قدمگاه دوم | کربلای معلا
- تشییع قلبها
- در سرزمینم احساس غربت کردم
- قدمگاه سوم | نجف اشرف
- جز زیبایی ندیدم
- تحقق یک رویا
- قدمگاه چهارم | اهواز
- بیرق بلند می کنیم به خون خواهی
- حاج قاسم ما
- خون بها

بخش ششم

فَقْسَم

فصلنامه تحلیلی روایی مکتب حاج قاسم

الْتِيَامُ زَخْمٌ صَبْحُ جَمِيعٍ

گل علی بابایی

نویسنده دفاع مقدس



در ساعت یک بامداد جمعه سیزدهم دی ۱۳۹۸ در پی بارش موشك‌های پرتاپ شده از زیر بال کرکسان دوزخی رژیم ابرتروریست ایالات متحده آمریکا، نخل قامت بلندی در خاک عراقی علی‌السلام و حسین علی‌السلام بر زمین افتاد که سرشاخه‌های بلند مرود و مردانگ اش دل آسمان را می‌شکافت و تابی‌نهایت کهکشانها امتدادی پافت.

قاسم سلیمانی فرزند کویر بهشت آسای دیار کریمان و فرماندهی همیشه خط شکن سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران پس از عمری تکاپو و پیکار در راه خدا با هدف حمایت از مستضعفین و به خاک مالیدن پوزه پلشت تروریست‌های دست پروردهی مثلث آمریکایی، عربی، وهابی در جبهه‌های غرب قاره کهن، سرانجام سیاوش‌وار در دل آتش بر خاک شهادت بوسه زد.

نوشتن درباره چنان تهمتی که آوازه‌ی فتوحات و دلاوری‌هایش از مرزهای ایران زمین عبور کرده و در چهارگوشه این سیاره اورابه چهره‌ای نام آشنا

فصلنامه تحلیلی- روایی «قاسم»، تلاشی است برای زنده‌نگاه داشتن نام و یادوتسبیح مکتب سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. در هر شماره از این فصلنامه یکی از سرفصل‌های مکتب حاج قاسم، تحلیل و روایت خواهد شد. این مجلد ۳۰۸ صفحه‌ای که پیش روی شماست، نخستین شماره این فصلنامه با نام «بزرگ‌ترین بدرویه تاریخ؛ تشییع بهمنابه‌ی رفراندوم» است که جمعی از همراهان شهید، مسئولان، نخبگان، نویسنگان، شاعران و اهالی رسانه زوایای مختلف تشییع تاریخی پیکر شهید سلیمانی را روایت و تحلیل کرده‌اند. این مجموعه که به مناسبت سالگرد شهادت سردار دل‌هادر زستان ۱۴۰۰ منتشر شده، شامل شش بخش است:

- ۱- اندیشه
- ۲- میزگرد
- ۳- خط مقدم
- ۴- روایت تشییع
- ۵- حاج قاسم ما
- ۶- سرو روان

در صفحات پایانی فصلنامه نیز مجموعه‌ای از عکس‌های منتخب تشییع پیکر حاج قاسم سلیمانی و همراهان شهیدش، ابرمرد و قهرمان این داستان اساطیری به نگاه شماتقدیم شده است.

تو خود ای گوهر یک دانه کجا بی آخر
کز غمت دیده مردم همه دریا باشد*

*حافظ

بنیاد مکتب حاج قاسم
حفظ و نشر آثار شهید سپهبد قاسم سلیمانی

برای دوزخیان زمین بدل کرده است کار آسانی نیست. در رسانی جوانمرد سلحشوری که تنها یک از هزاران خدماتش به انقلاب الهی مردم ایران در طول فرماندهی بیست ساله‌ی وی بر سپاه قدس تحقق آرمان بسیج جهانی مستضعفین و درنتیجه آن امحای خطرناک‌ترین دملهای چرکین دست پروردۀ دولت‌های تروریست پرور ایالات متحده، رژیم روبه زوال صهیونیستی و متحدین وهابی، خلیجی آنان یعنی خلافت سفیانی صهیونیستی داعش از قلب بلاد اسلامی بود.

آری نوشتن در رسانی چنین اعجوبه‌ای کاری است بسیار جان فرسا. در این روزهای خطیر و در دنیاک پس از شهادت سردار جهانی انقلاب ظفر نمون ملت ایران، تنها این تسلای خاطر برای مردم داغ دیده میهنش، میهند که وسعتی داشت از دره کشمیر مظلوم تادره‌ی سند پاکستان از کابل و بامیان و هرات تا سواحل خزر و بحر عمان و خلیج فارس ایران زمین واژکوفه و سامرا و نجف و کربلا و موصل تا دمرو و دیرالزور و دمشق و بیروت و بقاع. از جنوب لبنان تا بیت المقدس، غزه و صنعاً بس؛ که بگوییم قاسم سلیمانی نه تنها در جهان باقی، بلکه در همین سرای سینچی نیز تا جاودانه زنده و برقرار مانده است.

سردار سپاه ثار الله، امروز بیش از تمامی روزهای گذشته حیاتِ دنیوی اش، در تپه ماهورهای دشت عباس و ساحل کرخه نور در بیابان تشهنه‌ی کوشک و بلندیهای سومار و جلگه‌های شرجی کارون و ارون و شبه جزیره‌ی فاو و دشت شلمچه زنده است و با شقایق‌های وحشی فکه همنشین و همسایه.

با چنین اوصافی، هنگامی که خبر شهادت این همنشین دلربای شهیدان بر روی خروجی‌های خبرگزاری‌ها قرار گرفت، چنان غم سنگینی بر دلها نشست و همه را در بیهوده و حیرت فرو برد که گویی دنیا به آخر رسیده است.

در آن آدینه روز دلگیر سیزدهم دی ماه برای فرار از آن همه غم، تنها چاره کار را پناه بردن به آغوش پر مهر شهیدان دانستم و راهی عشق آباد تهران یا همان گلزار شهدای بهشت زهراء(س) شدم. ساعت‌های زیادی در میان مزارهای شهدا پرسه زدم و راز دل شکسته‌ام را به آنها گفتم.

مگرنه این است که برای ما بچه‌های جنگ، حاج قاسم علاوه بر آنچه که بود و از آن یاد می‌کردند، وجه دلگری هم داشت. و آن اینکه با دیدن چهره مردانه این مرد خدا، یاد و سیمای نورانی فرماندهان شهید، در دلمان زنده می‌شد. شهیدانی همچون: همت، متولیان، خرازی، کاظمی، بروجردی، چراغی، کریمی، شوشتری، باکری، زین الدین، میرحسینی، همدانی و....

اما به رغم تمامی این تلحکامی‌ها، وقتی زخم قلبم التیام گرفت که در آن دوشنبه روز تشییع پیکر حاج قاسم، سیل خروشان مردم عزادار و قدرشناس را دیدم که چگونه بر سر روی خود می‌کوبیدند و در سوگ آن سریاز وطن و فرمانده مقدر موبیه می‌کردند.

پس بی راه نیست که در وصف شهید سلیمانی بگوییم:

یک کشته به نام به، که صد زنده به ننگ

القصه در این زمانه پرنیز نگ

در این صحابه تنشیک
با شمع خلیل کوتاه
بررسی حقیقت موحده
شخصیت و بیان
حاج قاسم پیرزاده تنشیک
هر کس از جامعه است
تمام شناس، فقیه و
بیوگرافی کوشش
کنایت و حملان که از
صوفی و چهل و هشت
خرد و عرف و نکره
جایزه ای از خودی
بیکران آن عزیز معتقد
برگزش و به تنشیک
آن وادی بجهت این

بخش اول از نیشه



شهید سلیمانی و مواجهه راهبردی امت اسلامی

حمید پارسانیا

عضو هیات علمی دانشگاه تهران



■ قوم، قبیله، عشیره

برای معرفی مجموعه‌ها، گروه‌ها و جوامع انسانی از لغات و مفاهیم مختلف استفاده می‌شود؛ مثل قوم، قبیله، عشیره، جامعه، طبقه، طایفه، ملت و امت. هریک از این لغات و مفاهیم به حیثیت و جنبه‌ای از مجتمع و مجموعه‌های بشری و انسانی دلالت می‌کنند؛ به عنوان مثال، جامعه به حیثیت تجمع و اشتغال بر افرادی متکثری دلالت دارد که به دلایل، انگیزه‌ها و اغراض به صور مختلف یا مناسبات متفاوت جمع آمده‌اند. قوم نیز به مجموعه‌ای از انسان‌ها که با برخی ارتباطات قوام یافته‌اند و البته این ارتباطات بیشتر می‌تواند ارتباطات خونی باشد، همان‌گونه که عشیره، بطن و مانند آن نیز بر افرادی اطلاق می‌شود که پیوند خونی و نژادی دارند. برخی از لغات بر مفاهیمی دلالت می‌کنند که ریشه در جغرافیای زندگی جمیع انسان‌ها دارند یعنی از پیوندی یاد می‌کنند که با موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای ربط دارد؛ مثل نبیله و طایفه. ریشه لغوی مفهوم قبیله یا طایفه بر منطقه جغرافیایی مجموعه‌ای از انسان‌ها دلالت کند که به یک کانون جغرافیایی خاص نظر دارند یا آنکه بر محور آن، آمدوشد دارند، هرچند این دو غت نیز برگره‌ی از انسان‌ها دلالت می‌کنند که رابطه خونی با یکدیگر دارند.

برخی از لغات و مفاهیم به بعد جغرافیایی یا خویی مجموعه انسان‌ها اشاره ندارند، بلکه، به حوزه زندگی و زیست آن‌ها به شیوه کنش و رفتارشان، به نظام معنایی و ارزش‌هایی که هدف و مقصود زیست و زندگی آن‌هاست، نظر دارند. لغات امت، ملت، دین، سنت، شریعت از این دسته هستند. لغت امت، ریشه در امر جغرافیایی، یا امتداد تاریخی و نژادی و مانند آن ندارد، بلکه، از ام به معنای رویکرد، توجه و قصد نسبت به یک امر است و نیز به معنای چیزی است که پیش روی، روش، بین و آشکار است. امت توجه به مقصود و معنایی دارد که پیش روی آن است. در ریشه لغوی، امت از تکثیر و تعدد قصد کنندگان نیز مأمور نیست. ملت نیز از جهت مفهوم، بازگشت به نژاد و پیشینه تاریخی آن یا به منطقه و جغرافیای خاصی ندارد. با املا هم ریشه است و نظر به جهت، ایجاب، و املا یک معنادارد. یک امر از آن جهت که مورد توجه و قصد انسان‌ها قرار می‌گیرد، امت است و از آن جهت که املا و انشا شده است، ملت است. همین معنا به اعتبار اینکه مسیر و بستر رفتار و کنش انسان‌ها قرار گرفته است، دین نامیده می‌شود. دین عبارت از شیوه‌ای از زندگی و زیست است که عادت انسان‌ها شده، یعنی صورت استقرار یافته از رفتار آدمیان است.

■ نسبت ملت، امت و دین در کلام فارابی

فارابی در کتاب المله، ملت و دین و همچنین شریعت و سنت را کالم ترادف یعنی شبیه مترادف می‌داند. دولغت اگر بر یک مفهوم و معنای واحد دلالت کنند، مترادف هستند و دو مفهوم اگر دارای مصدق وحدی باشند ولکن با حیثیت‌های مختلف بر آن مصدق و مصدق کنند مساوی هستند ولکن دو مفهوم اگر متغیر باشند و بر مصدق وحدت به حیثیت واحد مصدق کنند، مساوی هستند. مفهوم ملت، امت و دین در لفظ و در معنا متفاوت هستند ولکن بر مصدق وحدت جهتی واحد مصدق می‌کنند یعنی همان چیزی که امت است، ملت است و نیز دین است. امت است به لحاظ اینکه جامعه به آن توجه کرده و ملت است به دلیل اینکه این معنادات و هویتی دارد و آن ذات و هویت از ناحیه مبدئی که همان خداوند سبحان است و مبدأ همه امور است، انشا و املا شده و دین است به دلیل اینکه این املا الهی مورد توجه و قصد مردم قرار گرفته وابنک شیوه عمل، رفتار و زیست مردم است؛ به گونه‌ای که بر سبیل عادت، روال مستقر زندگی آن‌هاست؛ بنابراین مفهوم ملت، دین و امت مفهوم واحدی نیستند ولکن همان امری که مصدق مفهوم ملت است، مصدق مفهوم ملت و نیز مصدق مفهوم دین نیز هست.

■ نسبت سنت و شریعت با دین و ملت

فارابی سنت و شریعت را نیز به حسب استعمالی که در لغت پیدا کرده‌اند، نظیر ملت و دین می‌خواند با این تفاوت که حوزه ملت و دین، اعم از سنت و شریعت است. ملت و دین هم بخش اعمال و رفتار بدنی و جوارحی افراد را شامل می‌شود و هم بخش اعتقادات، آراء و باورهای نظری